



تقویم مهریه به نرخ روز

ایراندخت نظری - مدرس

دیگر به مجرد انعقاد عقد نکاح، زوج به میزان مهریه مدیون همسر خود می‌شود. معمولاً به جهات عاطفی و گذشت و سازگاری زنان، ایشان از مطالبه مهریه امتناع کرده و حتی در مواقع بروز اختلاف نیز با بذل مهر خود حاضر به جدایی می‌شوند؛ اما این عوامل روحی و اجتماعی در اصل حقی که به موجب قانون برای زنان به وجود می‌آید، مؤثر نبوده و آن را مخدوش نمی‌سازد؛ بنابراین این زن همواره می‌تواند مهر خود را از مرد مطالبه و دریافت نماید. حال ممکن است مهریه وجه نقد یا به تعبیر ماده واحده مذکور، وجه رایج باشد و زوجه چند سال پس از عقد نکاح درصدد مطالبه آن بر آید و یا اینکه مرد خود بخواهد دین خویش

از بهترین و کاملترین قوانین مدنی جهان محسوب می‌شود. نویسندگان این قانون در تدوین مواد قانونی از فقه امامیه و حقوق کشورهای اروپایی عمدتاً کشور فرانسه الهام گرفته و در تدوین مقرراتی که مستقیماً با دین رسمی ایران ارتباط داشته، نظیر نکاح، طلاق، ارث و وصیت از نظر مشهور فقهای شیعه پیروی کرده‌اند. قانون مدنی در بیان مقررات مربوط به نکاح به سبب ارتباط آن با قوام خانواده و نسب، کاملاً از ضوابط شرعی پیروی کرده و در خصوص مهریه نیز این متابعت به چشم می‌خورد.^۲ مثلاً در عقد نکاح دائم علی‌رغم لزوم تعیین مهر، عدم ذکر مهر به‌هنگام انعقاد عقد، لطمه‌ای به صحت عقد وارد نساخته و بعداً می‌توان مهر را تعیین نمود (ماده ۱۰۸۷ ق.م.ا). در حالی که به تصریح ماده ۱۰۹۵ این قانون "در نکاح منقطع، عدم مهر در عقد موجب بطلان است."^۳

به موجب ماده ۱۰۷۸ ق.م.ا، هر چیزی را که مالیت داشته باشد می‌توان مهر قرار داد و چون به مجرد عقد نکاح، زن مالک مهر می‌شود، می‌تواند بلافاصله پس از عقد، مهر را از مرد مطالبه کند به بیان

در تاریخ هشتم مرداد ماه ۱۳۷۶ ماده واحده‌ای مشتمل بر دو تبصره به ماده ۱۰۸۲ ق.م.ا الحاق گردید. به موجب این ماده "به مجرد عقد، زن مالک مهر می‌شود و می‌تواند هر نوع تصرفی که بخواهد در آن بنماید و به موجب تبصره یک ماده واحده‌ای که به این ماده الحاق گردیده، "چنانچه مهریه وجه رایج باشد متناسب با تغییر شاخص قیمت سالانه زمان تأدیه نسبت به سال اجرای عقد که توسط بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران تعیین می‌گردد محاسبه و پرداخت خواهد شد." مقاله حاضر در خصوص این موضوع یعنی تقویم مهریه به نرخ روز تنظیم و تحریر گردیده و ماهیت حقوقی این تقویم، علل حقوقی و مبنای قانونی این ماده واحده مورد بحث و بررسی قرار گرفته است.^۱

کلیات - قانون مدنی ایران که تدوین آن از سال ۱۳۰۷ شمسی آغاز شده، یکی

(۱) در خصوص این موضوع در تاریخ ۷/۱۰/۷۷ توسط نویسنده سخنرانی در دانشگاه واحد خواران ایراد شد.

(۲) نجفی شیخ محمد حسن: جواهر الکلام ۱۵ جلدی، ج ۱۱، ص ۵ به بعد، شهید ثانی: شرح لمعه ده جلدی، ج ۵، ص ۳۴۱ به بعد

(۳) در خصوص مهر و نقش آن در نکاح رک. به مقاله نویسنده در مجله ندای صادق زمستان ۱۳۷۶.

را ادا کند. آنچه موضوع بحث ما را تشکیل می‌دهد این مطلب است که آیا پرداخت همان مبلغی که به عنوان مهر در عقد ذکر شده ولی پرداخت نگردیده، سبب برائت ذمه زوج خواهد بود یا خیر؟

برای پاسخ به این سؤال لازم است بدانیم نحوه ایفای تعهد چگونه است و مدیون چه زمان برائت ذمه حاصل می‌کند.

الف- نحوه ایفای تعهد: گفتیم که

مهریه دینی است که بر ذمه زوج قرار دارد، مرد که به موجب عقد نکاح به میزان مهریه مدیون زوجه گردیده، زمانی برائت از ذمه می‌یابد که به تعهد خود عمل کند. دانستیم که مهر ممکن است پرداخت مال یا انجام عملی باشد در این صورت زوج هنگامی از قید تعهد آزاد می‌شود که عمل مذکور را انجام داده و یا مال بخصوص را پرداخت نماید. ماده ۲۷۷ق.م. در این مورد تصریح می‌کند که متعهد ملزم است آنچه برعهده گرفته به طور کامل اجرا کند؛ همچنین متعهد باید همان چیزی را که مدیون است به متعهدله تسلیم کند، مگر اینکه طرفین به نحو دیگری با هم توافق کنند.

ایفای تعهد در مواردی که مهریه انجام عمل خاص مثل آموزش یک زبان خارجی یا تملیک مال معین مثل خانه یا اتومبیل باشد، با مشکل خاصی روبرو نیست و هر زمان این اعمال انجام شود، زوج دین خود را ادا کرده است. مثلاً هرگاه مهریه یک دستگاه اتومبیل یا مشخصات معین باشد زوج هر زمان که اتومبیلی با همان مشخصات را تسلیم زوجه نماید

دین خود را ایفا کرده و نوسان قیمت در این مورد اثری ندارد و در هر حال مرد ملزم است یک دستگاه اتومبیل را به عنوان مهر به همسر خود تسلیم کند^۱ اعم از اینکه قیمت آن بالا رفته یا نسبت به زمان عقد پایین آمده باشد.

اما هنگامی که مهریه وجه نقد است، این بحث مطرح می‌شود که آیا زوج با پرداخت همان مبلغ زمان عقد به تعهد خود عمل کرده و بری الذمه محسوب می‌شود؟

تا قبل از تصویب و الحاق ماده واحده مذکور، عده‌ای به این سؤال پاسخ مثبت می‌دادند و تصور می‌کردند که اگر مثلاً زمان عقد، مهریه زوجه یکصد هزار تومان بوده و ده سال بعد زوج همین یکصد هزار تومان را به زوجه بپردازد، به تعهد خود عمل کرده است. این عمل علاوه بر اینکه راه سوء استفاده‌های احتمالی را باز می‌گذاشت و آقایان پس از سالها زندگی، همسر خود را با پرداخت مبلغ ناچیزی به عنوان مهر، رها می‌ساختند، با توجه به ماهیت ایفای تعهد و پذیرفتن اینکه پرداخت وجه نقدی که موضوع تعهد بوده به همان میزان زمان عقد، بتواند سالها پس از عقد، ایفای تعهد محسوب شود، منطقی به نظر نمی‌رسید.

قانونگذار در سال ۷۶ به منظور تضمین حقوق زنان و با الهام از عقاید حقوقدانان^۲، در خصوص مهریه‌هایی که وجه رایج بودند، مقرراتی را وضع نمود که به موجب آن ایفای تعهد زمانی معتبر خواهد بود که مهریه وجه نقد، با توجه به تغییرات شاخص قیمتها از زمان اجرای

عقد تا زمان ایفای تعهد، پرداخت شده باشد. تئوری مطرح شده در این خصوص که راهنمای قانونگذار در تدوین مقررات مربوط به مهریه بوده در خصوص تمام دیون پولی قابل اجراست اما قانونگذار به جهت رعایت حقوق زنان که در مورد مهریه‌های وجه نقد، بسیار تضييع شده - اغلب اتفاق می‌افتد که زنان پس از سالها زندگی بدون هیچ سرمایه و توشه‌ای رها شوند - این مقررات را ابتدا در مورد مهریه که برای افراد ملموس تر بوده، تدوین نموده است. اینک برای روشن شدن مطلب به بحث در مورد تئوری موسوم به تئوری پول می‌پردازیم.

تئوری پول: اولین بار این نظریه را آقای دکتر مهدی شهیدی در کلاسهای خود مطرح کرد و سپس در سال ۱۳۶۸ آن را در کتاب سقوط تعهدات به چاپ رساند.

قبل از ورود در بحث لازم است بدانیم که ما در پیرامون خود دو نوع مال داریم؛ اموال مادی و اموال اعتباری. وجود اموال مادی مانند خانه و اتومبیل را می‌توان لمس و حس نمود اما اموال اعتباری وجود ملموس و محسوس ندارند ولی ارزش و اعتبار خود را از قانون کسب کرده‌اند و از اهمیت خاصی در اجتماع برخوردار هستند. حق مخترع و مؤلف و پول از جمله اموال اعتباری محسوب می‌شوند.

پول که در روابط اقتصادی هر جامعه نقش اساسی را ایفا می‌کند بر اثر مرور

۱) شهیدی: مهدی: سقوط تعهدات، شماره ۱۶

۲) همان منبع، شماره ۲۶، بحث ۱۱

زمان و تغییر در روابط اجتماعی در طول سالیان به صورت امروزی در آمده است. مروری کوتاه بر تاریخ به ما نشان می‌دهد که انسانها در جوامع ابتدایی برای تأمین نیازهای خود به معاوضه می‌پرداختند یعنی آنچه را مازاد بر احتیاج خود داشتند داده و آنچه را نیاز داشتند می‌گرفتند. در این دوران اموال مادی مانند گندم، نمک یا پارچه نقش پول امروزی را بازی کردند. بعدها برای سهولت، سکه‌های طلا و نقره به جای کالاهای مذکور رایج گردید در این دوران پول وجود مادی داشته و از اموال مادی به حساب می‌آمد. به مرور اوراقی به نام اسکناس که حمل و نقل آن آسانتر بود جای سکه‌های رایج را گرفت. در ابتدای پیدایش اسکناس و تا مدتها بعد از آن با این که طلا جای خود را به اسکناس داده بود اما باز هم پشتوانه اسکناس محسوب می‌شد در این صورت چون میزان پشتوانه اسکناس مقدار معینی طلا بود، پول یک موجود واقعی محسوب می‌شد اما امروزه که پشتوانه پول کشورها را طلا و جواهرات موجود در خزانه دولت تشکیل نمی‌دهد و عوامل دیگری نظیر توانایی‌های علمی و صنعتی پشتوانه پول هستند، دیگر نمی‌توان طلا را پول حقیقی و اسکناس را نماینده آن طلا و جواهرات دانست. پول در مفهوم امروزی یک ارزش اعتباری و غیر عینی مبادلاتی است که اسکناس نماینده واحد آن می‌باشد. ارزش مبادلاتی این اسکناسها با گذشت زمان کاهش یافته یا بطور استثنایی ممکن است افزایش یابد، در نتیجه اسکناس صدر یالی امروز همان

اسکناس صد ریالی بیست سال پیش نیست اگر چه همان نام را بر خود حفظ کرده است.^۱ پس از ذکر مقدمه بالا در مورد پول، بخوبی می‌فهمیم که چرا وقتی که زوج تعهد بر پرداخت وجه نقد به عنوان مهریه می‌کند، زمانی به تعهد خود عمل کرده است که مقدار وجه نقدی با همان قدرت و ارزش واقعی زمان عقد به زوج بپردازد، نه میزان شماره‌ای اسکناس را که نماینده است. به بیان دیگر امروز زوج آن مقدار پول به زوج طلبکار است که مالیت آن معادل مالیت مهریه در زمان انعقاد عقد و از جهت ارزش مبادلاتی مساوی آن باشد. حال اگر اسکناسهایی که زوج بیست سال پیش تعهد به پرداخت آن کرده قدرت خرید یک دستگاه اتومبیل را داشته امروز هم باید همان قدرت را دارا باشد. بر عکس هرگاه زوج متعهد به پرداخت مال عینی مثلاً ۲۰۰ سکه طلا باشد، هر زمان ۲۰۰ سکه طلا را به زوج بپردازد، براث حاصل می‌کند، آیا در این مورد زوج می‌تواند به بهانه بالا رفتن قیمت طلا از تعهد خود شانه خالی کند؟ در مورد پرداخت مهریه زمانی که وجه نقد است نیز باید چنین باشد یعنی زوج هنگامی دین خود را ادا می‌کند که به میزان همان موجود اعتباری و با همان قدرت زمان عقد، اسکناسهایی را که نماینده این موجود اعتباری است به همسر خود بپردازد. گفتیم که این امر نه تنها در مورد مهریه بلکه در تمام دیون پولی صادق است چنان که حقوقدان مذکور در تألیف خود با توجه به کاهش مستمر ارزش

اسکناس، لازم دانسته‌اند که نحوه احتساب میزان پولی که مدیون باید پس از انقضای مدتی از آخرین مهلت ادای دین، تسلیم بستانکار کند، با وضع مقرراتی مناسب، مشخص شود دیدیم که پس از مدتی قریب ده سال قانونگذار این نظریه را در مورد مهریه اعمال نمود. همچنین مجمع تشخیص مصلحت نظام در تاریخ ۷۶/۹/۲۱ نظر خود را در مورد خسارات و هزینه‌های مذکور در تبصره ۲ قانون اصلاح موادی از قانون صدور چک مصوب ۷۶/۳/۱۰ اعلام و تصریح نمود که خسارت تأخیر تأدیه بر مبنای نرخ تورم که توسط بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران اعلام می‌شود از تاریخ چک تا زمان وصول آن باید محاسبه گردد. به این ترتیب ایرادی که ممکن بود بر این نظریه وارد شده و تصور شود که پرداخت مبلغ اضافی به زوج همان خسارت تأخیر تأدیه است منتفی خواهد بود هر چند که با توجه به ماهیت خسارت تأخیر تأدیه اصولاً قیاس این دو با یکدیگر قیاس مع الفارق بشمار می‌آید؛ زیرا به موجب ماده ۷۱۹ قانون آئین دادرسی مدنی در مورد تعهداتی که موضوع آن پرداخت وجه نقد است، هر گاه متعهد در اجرای تعهد خود تأخیر کند، به میزان دوازده در صد در سال می‌بایست خسارت تأخیر تأدیه بپردازد. طرفین قرار داد به کمتر از میزان فوق می‌توانستند توافق کنند اما دریافت بیش از دوازده درصد در سال به عنوان خسارت تأخیر تأدیه

خواهد بود؟ آیا می‌توان از ماده واحده مذکور در این مورد نیز استفاده کرد یا با توجه به متن ماده واحده باید با تفسیر مضیق، آن را مخصوص مهریه‌هایی دانست که وجه رایج ایران است.

اگر بدون توجه به نظریه‌ای که در مورد پول ذکر شد و صرفاً با توجه به نص ماده واحده بخواهیم در این مورد قضاوت کنیم باید معتقد باشیم که منظور از وجه رایج همان پول رایج ایران است بخصوص که شاخص بانک مرکزی جمهوری اسلامی اختصاص به کشور ما دارد و در سایر موارد قابل استناد نیست.

اما این تفسیر با آنچه که قبلاً در مورد پول گفتیم منافات دارد و دانستیم در هر مورد که دین پول باشد، مدیون به هنگام ادای دین باید همان قدر و ارزشی را به طلبکار بپردازد که پول مورد تعهد به هنگام بر عهده گرفتن تعهد، داشته است. بنابراین هر چند ماده واحده مذکور در مورد مهریه‌ای است که وجه رایج باشد اما این امر منافاتی با اجرای نظریه مذکور در مورد سایر پولها ندارد، منتها نرخ تورم در مورد پولهای غیر رایج ایران، باید با شاخصهای بین‌المللی سنجیده شود. بنابراین منظور از وجه رایج در ماده واحده مذکور، وجه رایج ایران است؛ اما اگر پول رایج کشور دیگری به عنوان مهر در عقد ذکر شده باشد، زوج با پرداخت مهریه به همان ترتیبی که ذکر شد، برائت حاصل خواهد کرد نه با پرداخت میزان

صادق نخواهد بود. ربا بر دو نوع است ربای معاملی که ضمن معامله‌ای که مورد آن حتماً باید مکیل و موزون باشد محقق خواهد شد که در مورد پول اصولاً سالبه به انتفاء موضوع است زیرا پول نه مکیل است و نه موزون و اصولاً از اموال مادی محسوب نمی‌شود و ربای قرضی که در عقد قرض محقق می‌شود مثل اینکه شخصی صد هزار تومان قرض می‌دهد که صد و بیست هزار تومان پس بگیرد. اما مسلم است که مهریه قرض محسوب نمی‌شود، بنابراین احتمال ربا در این خصوص هم منتفی است.

ب - مفهوم وجه رایج: گفتیم که مقررات ماده واحده مذکور در مورد مهریه‌ای است که وجه رایج باشد، حال لازم است مفهوم وجه رایج روشن شود.

وجه رایج وجهی است که سیستم بانکی یا حکومت هر کشور آن را به عنوان پول معتبر آن کشور اعلام می‌کند. مثلاً زمانی وجه رایج کشور با معیار "قران" معین می‌شد و اینک وجه رایج ایران "ریال" است. ارزشهای خارجی که به تناسب معادل ریالی خود ارزش دارد، در معاملات داخلی در حکم کالا به شمار می‌آید.^۲ و هر چند با توجه به رأی وحدت رویه شماره ۹۰ مصوب ۵۳/۱۰/۴، ارزشهای خارجی نیز پول محسوب می‌شوند. و ممکن است به عنوان مهریه قرار داده شوند، اما از نظر حقوقی وجه رایج محسوب نمی‌شوند.

بنابراین هرگاه عقد نکاحی در ایران واقع شده و مهریه مثلاً ۵۰۰ فرانک تعیین شود، تکلیف زوج در پرداخت مهریه چه

ممنوع بود. پس از انقلاب اسلامی، شورای نگهبان خسارت تأخیر تأدیه و پرداخت آن را غیر شرعی اعلام نمود و سپس در مورد بانکها مقررات خاصی، دریافت این رقم را مجاز اعلام داشت. و حال در مورد سایر تعهدات پولی با توجه به مصوبه مجمع تشخیص مصلحت نظام نیز، شکسی در قانونی بودن دریافت خسارت تأخیر تأدیه باقی نمی‌ماند اما میزان این خسارت بر خلاف سابق دوازده درصد در سال نیست و با توجه به شاخص بانک مرکزی معین می‌شود. اما در هر حال همانطور که گفته شد، پرداخت مهریه به نرخ روز از جهت ماهیت یا خسارت تأخیر تأدیه تفاوت دارد. خسارت تأخیر تأدیه خسارت تأخیر در انجام تعهد است منتها تعهدی که موضوع آن پرداخت وجه نقد می‌باشد. هنگامی که موضوع تعهد پرداخت وجه نقد نبوده مثلاً احداث یک دستگاه خانه باشد، طرفین می‌توانند در مورد خسارت تأخیر در انجام تعهد با یکدیگر توافق نمایند، مثلاً قرار بگذارند که اگر خانه در مدت یک سال به اتمام نرسید برای هر روز تأخیر، متعهد روزانه مبلغ معینی به متعهدله بپردازد. بنابراین خسارت تأخیر تأدیه هم خسارت تأخیر در انجام تعهد است که این خسارت نیز علاوه بر مهریه‌ای که به نرخ روز تقویم شده از زوج قابل مطالبه خواهد بود و این دو با یکدیگر مغایرتی ندارند.

عده‌ای پرداخت مهریه را بر اساس نظریه مذکور، ربا می‌پنداشتند که مسلم است با توجه به شرایط ربا که در کتب فقهی نیز مذکور است^۱، ربا در این مورد

۱) شهید ثانی، شرح لمعه، ج ۳، ص ۴۳۷؛

عاملی؛ محمد جواد؛ مفتاح الکرامه، ج ۴، ص ۵۰۲

۲) کاتوزیان، دکتر ناصر؛ عقود معین ۱، ش ۳۳۹

شماره‌ای ارزش خارجی.

ج - نحوه محاسبه و پرداخت مهریه:

قانونگذار در مورد محاسبه مهریه فرمولی تعیین نموده به این ترتیب که متوسط شاخص بها در سال قبل، تقسیم بر متوسط شاخص بها در سال وقوع عقد ضربدر مهریه مندرج در عقدنامه می‌شود.^۱

مثلاً اگر مهریه درسی سال قبل (سال وقوع عقد) یکهزار تومان و شاخص هزینه زندگی در همان سال ۱۰۵ بوده است و شاخص هزینه در سال قبل (پرداخت مهریه) ۱۰۰ شده است، $\frac{1000 \times 100}{105}$ زوج باید ۲۰۰۰۰ ریال به زوجه بپردازد.

تذکر این نکته ضروری است که زن همواره می‌تواند مهر خود را مطالبه نماید اما چون به دلایل عاطفی و فرهنگی معمولاً به هنگام اختلاف، مهر مطالبه می‌شود، این تصور غلط رواج یافته که:

اولاً - مهر فقط هنگام طلاق پرداخت می‌شود و ثانیاً - اگر زن خواهان جدایی باشد، حقی بر مهر ندارد. این تصور به هیچ وجه صحیح نیست و زن می‌تواند مهر خود را بلافاصله پس از عقد یا سالها پس از آن مطالبه کند و این امر ارتباطی با طلاق و جدایی ندارد، منتها معمولاً زمانی که زن خواهان جدایی است برای جلب رضایت مرد از دریافت مهر خود صرف نظر می‌کند. بنابراین هرگاه مهریه عین معین از قبیل طلا، خانه یا اتومبیل باشد، به هنگام مطالبه عیناً باید به زن تسلیم شود و اگر وجه رایج باشد، به طریق فوق محاسبه و پرداخت خواهد شد.

همچنین باید توجه داشت که زوجین

می‌توانند هنگام عقد، ترتیب دیگری برای پرداخت مهریه اتخاذ کنند مثلاً زن بر مرد شرط کند که هرگاه پس از مدت ۵ سال بخواهد مهر او را بپردازد بدون توجه به شاخص بانک مرکزی مبلغ معینی را پرداخت نماید. در این صورت طبق توافق طرفین عمل خواهد شد.

در صورتی که زوج تقاضای صدور اجازه طلاق نماید، دادگاه مکلف است مهریه را بر اساس فرمولی که گفته شد تعیین نماید. و در صورتی که زوجه خواهان جدایی باشد، مهریه به همین ترتیب تعیین خواهد شد، اما هزینه دادرسی ابتدا به میزان بهای خواسته بر اساس مهر المسمی توسط زوج باید پرداخت شود و چنانچه حکم به نفع وی صادر شد، زوج مکلف است علاوه بر پرداخت مهریه طبق ضابطه مذکور، هزینه دادرسی و ما به التفاوت هزینه ابطال تمبر را (ما به التفاوت تمبر ابطال شده به میزان مهرالمسمی و تمبری که به میزان مهریه تعیین شده در حکم دادگاه باید ابطال گردد) نیز بپردازد.

چون سند نکاح از اسناد رسمی لازم الاجراست، زوجه می‌تواند از طریق اجرای ثبت و با معرفی مالی از شوهر، مهریه خود را وصول کند. همچنین می‌تواند همزمان با تقدیم دادخواست به دادگاه، مالی از اموال شوهر را معرفی و تقاضای بازداشت آن را نماید، در این صورت هرگاه زوج از پرداخت مهریه به موجب حکم دادگاه امتناع کند، از محل فروش اموال بازداشت شده، مهریه پرداخت خواهد شد.

ممکن است این ایراد به ذهن برسد که

زوجه به اختیار خود در مطالبه مهریه تأخیر کرده، بنابراین چرا مسئولیت این تأخیر بر مرد تحمیل می‌شود؟ در پاسخ باید گفت: داین متعهد است که فوراً به تعهد خود عمل کند حتی اگر متعهدله درخواست نکرده باشد. بنابراین زوج که متعهد به پرداخت مهریه است می‌بایست فوراً تعهد خود را انجام می‌داده و حال که تأخیر کرده، علاوه بر انجام اصل تعهد یعنی پرداخت مهریه به طریقی که ذکر شد، باید خسارت تأخیر در انجام تعهد را نیز بپردازد، مضافاً بر اینکه هر ذی حقی می‌تواند حق خود را در هر زمان که بخواهد مطالبه کند و تأخیر در این امر خدشه‌ای بر حق وارد نمی‌سازد.

د - پرداخت مهریه پس از فوت

زوج: مهریه دین است و بر ذمه زوج قرار دارد، هرگاه که زوج قبل از پرداخت مهریه فوت کند، مهریه که از دیون ممتازه محسوب می‌شود باید از ما ترک او پرداخت شود، در این صورت هرگاه پس از فوت بلافاصله مهریه از ما ترک متوفی پرداخت شود، ملاک محاسبه تاریخ فوت خواهد بود اما اگر ترکه تقسیم نشده و مهریه پرداخت نشده باشد و مثلاً پنج سال پس از فوت پرداخت شود در این صورت طبق نظریه مذکور، زمان پرداخت دین، ملاک محاسبه خواهد بود نه زمان فوت، زیرا تا پرداخت مهریه، دین همچنان بر ذمه زوج متوفی باقی خواهد بود.

(۱) به موجب آیین نامه اجرایی قانون الحاق یک نصرة